

مهاجرین بالقوه در ایران:

تبیین جمعیت شناختی و اجتماعی تمایلات مهاجرت به خارج از کشور

یعقوب فروتن*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱)

چکیده

اگرچه مفهوم مهاجرت بر پایه تعاریف کلاسیک جمعیت شناختی مستلزم جابجایی مکانی و تفاوت بین محل تولد و محل اقامت معمولی است، اما بسیاری انسانها در کشور زادگاهی خویش همواره سودای مهاجرت در سر می‌پرورانند و تمایل دارند تا در فرصت مناسب مهاجرت کنند که در این مقاله از آنان با عنوان "مهاجرین بالقوه" یاد می‌کنیم و برخی از مهمترین الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با تمایل آنان به مهاجرت خارج از کشور را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم. تجزیه و تحلیل‌های این مقاله مبتنی بر داده‌های پیمایش مقطعی است که جمعیت نمونه آن شامل ۴۲۶۷ نفر مردان و زنان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان‌های منتخب ایران می‌باشد. مطابق نتایج تحقیق، نزدیک به نیمی از جمعیت مورد مطالعه تمایل به مهاجرت دارند. همچنین نتایج نشان داد که تمایل به مهاجرت بطور برجسته‌ای تحت تاثیر سه دسته متغیرهای عمده مشتمل بر متغیرهای جمعیت-شناختی از قبیل سن، جنس، محل سکونت، وضعیت تاهل، تحصیلات و متغیرهای مرتبط با نگرش جنسیتی و دینداری است. علاوه بر این، انگیزه‌های اقتصادی و شغلی نقش بمراتب مهمتر و تعیین‌کننده‌تری در تمایل به مهاجرت ایفا می‌کنند. بطور خلاصه، یافته‌های تحقیق حاضر در چارچوب نظریه کلاسیک جاذبه و دافعه مهاجرت و نظریه جمعیت شناختی مهاجرت موسوم به گذار مهاجرتی تبیین می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، مهاجرین بالقوه، گذار مهاجرتی، جاذبه و دافعه، نگرش جنسیتی، دینداری، انگیزه‌های اقتصادی و شغلی.

مقدمه

مهاجرت بعنوان یکی از سه عامل اصلی تغییرات و پویائی جمعیت محسوب می‌شود. دو عامل دیگر آن شامل باروری و مرگ و میر می باشد. مقاله حاضر معطوف به موضوع مهاجرت بویژه مهاجرت خارجی یا مهاجرت بین‌المللی است. امروزه، تعداد مهاجرین بین‌المللی در سطح جهان بیش از هر زمان دیگری در گذشته است. در سالهای اخیر برخی جمعیت‌شناسان مبحث جدیدی را با عنوان "گذار مهاجرتی" یا "گذار سوم جمعیت شناختی"^۱ مطرح کرده‌اند که ریشه در ظهور خیل عظیم و فزاینده جابجائی‌ها و مهاجرت‌ها در سطح جهان دارد. تجربیات تاریخی نیز مؤید این نکته است که وقتی کشورها به مراحل پایانی گذار جمعیت‌شناختی دست می‌یابند، در آنصورت نه تنها مهاجرت از این قبیل کشورها به خارج معمولاً متوقف می‌شود بلکه خود این کشورها غالباً مهاجرپذیر می‌شوند. بعنوان نمونه، بسیاری کشورهای اروپایی که سابقاً مهاجرفرست بودند، اینک به کشورهای مهاجرپذیر تبدیل شده‌اند و این مهاجرین نقش مهمی در بازار کار این قبیل کشورها ایفا می‌کنند (به نقل از: مای^۲ ۱۳۹۷).

بنابراین، در فرآیند گذار جمعیت شناختی، افزایش جمعیت زمینه مساعدی را برای ایجاد امواج مهاجرت به خارج و کاهش جمعیت نیز شرایط مناسبی را برای ایجاد امواج مهاجرت به داخل فراهم آورده است. به لحاظ تاریخی نیز مهاجرت‌های بین‌المللی پس از پایان جنگ دوم جهانی شتاب گرفته است. تعداد مهاجرین بین‌المللی در سال ۱۹۷۵ تنها حدود ۷۵ میلیون نفر بود، اما در سال ۲۰۱۳ به بیش از سه برابر افزایش یافته است (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳). در مجموع، مهاجرت بین‌المللی را باید بخشی از فرآیند جهانی شدن اقتصاد جهانی تلقی کرد که شکل جامعه و اقتصاد را نیز تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. دیوید کولمن^۳ (۲۰۰۶) از نخستین جمعیت‌شناسانی است که به مبحث "گذار سوم جمعیت شناختی" پرداخته و معتقد است که گذار سوم جمعیت شناختی با موضوع مهاجرت‌های بین‌المللی پیوند خورده است. به عقیده وی، روند فزاینده مهاجرت از کشورهای جهان سوم به سوی جوامع غربی بویژه اروپا به گونه‌ای پیش می‌رود که در حال تغییر دادن ترکیب قومی جمعیت این جوامع مقصد مهاجرت است.

1- Migration transition or the Third Demographic Transition

2- John F. May

3- David Colman

بطوریکه این امکان وجود دارد که در آینده جمعیت گروه‌های قومی مهاجرین خارجی تبار از جمعیت بومی و اصیل کشورهای مهاجرپذیر پیشی خواهد گرفت.

موضوع اصلی مقاله حاضر نیز در قلمرو مهاجرت بین المللی قرار می‌گیرد و سعی می‌کنیم تا یکی از زوایای مهم آن که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته را مورد مطالعه قرار دهیم: "مهاجرین بالقوه". بدین معناکه، مطابق تعاریف کلاسیک جمعیت‌شناختی، مهاجرت مستلزم تغییر و تفاوت در محل تولد و محل اقامت معمولی است (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۸). این تعریف بسیاری از افراد که سالیان طولانی سودای مهاجرت دارند را دربر نمی‌گیرد چون کماکان محل تولد و محل اقامت معمولی آنان یکسان است. این درحالی است که این قبیل مهاجرین بالقوه با فراهم آمدن شرایط مساعد بدون درنگ حاضرند از سرزمین زادگاهی خود مهاجرت کنند. در همین چارچوب، در این تحقیق "مهاجرین بالقوه" را کانون اصلی توجه قرار داده‌ایم تا بتوانیم در حد توان یافته‌های علمی و شواهد پژوهشی برای این پرسش‌های اصلی و کلیدی تحقیق ارائه دهیم: مهمترین الگوها و انگیزه‌های مهاجرت آنان کدامند؟ بطور مشخص، تمایل آنان به مهاجرت تا چه اندازه تحت تاثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی (مانند سن، جنس، محل سکونت، وضعیت تأهل و تحصیلات)، نگرش‌های جنسیتی و دینداری است؟

چارچوب نظری

یکی از تئوری‌های کلاسیک در تبیین مهاجرت از سوی اندیشمند برجسته اورت لی (۱۹۶۶)^۲ ارائه شده است که به نظریه جاذبه و دافعه مهاجرت^۳ معروف می‌باشد. در مدل نظری اورت لی، چهار دسته عوامل در تبیین زمینه‌ها و انگیزه‌های مهاجرت نقش اساسی را ایفا می‌کنند: عوامل مرتبط با مبدأ مهاجرت و عوامل مربوط به مقصد مهاجرت که هر کدام از آنها می‌توانند بعنوان عوامل مثبت (جاذبه) یا منفی (دافعه) و عوامل خنثی (که مثبت و منفی بودن آنها بستگی به افراد دارد) نقش داشته باشند، عوامل مداخله‌گر و موانع بازدارنده بین مبدأ و مقصد (مانند بعد مسافت، موانع طبیعی، موانع قانونی و حقوقی مثل قوانین مهاجرت)، و عوامل شخصی که به مجموعه‌ای از ویژگیهای فردی و شخصیتی مهاجرین (مانند ریسک‌پذیری، سن و جنس و

1- Potential emigrants

2- Lee, E. S. (1966), "A Theory of Migration"

3- Pull-Push Theory of Migration

تحصیلات، شرایط خانوادگی، روابط فردی و غیره) مربوط می‌شود. علاوه بر این، نظریه سرمایه انسانی^۱ بعنوان متداول‌ترین نظریه مهاجرت در سطح خرد محسوب می‌شود که توسط سجااستاد (۱۹۶۲) و گری بکر (۱۹۶۴)^۲ مطرح شده است. با توجه به غلبه رویکرد اقتصادی در نظریه سرمایه انسانی، در این نظریه فرض بر این است که افرادی که از سطوح بهتر و بالاتری از توانمندی‌ها و سرمایه‌های انسانی بهره‌مند هستند، معمولاً از زمینه‌ها و انگیزه‌های بیشتری برای مهاجرت نیز برخوردار می‌باشند. البته خاستگاه این رویکرد اقتصادی را باید در نظریه تودارو-کلاسیک توسط دو اقتصاددان به نام جان هریس و مایکل تودارو موسوم به مدل هریس - تودارو^۳ جستجو کرد که تلاش کردند تا مهاجرت‌ها و جابجایی‌های انسانی را برپایه این پیش فرض اقتصادی تبیین کنند که مهاجرین را باید موجودات حسابگر و عقلانی تلقی کرد که می‌خواهند سطح درآمد و شرایط اقتصادی خودشان را از طریق مهاجرت به حداکثر ممکن ارتقاء دهند.

یکی دیگر از نظریه‌های مهم در این زمینه، نظریه جمعیت‌شناختی تبیین مهاجرت است که اصطلاحاً به آن "گذار مهاجرتی" نیز گفته می‌شود. بدین معنا که تجربیات تاریخی مؤید این نکته است که وقتی کشورها به مراحل پایانی گذار جمعیت‌شناختی دست می‌یابند (یعنی هم میزان مرگ و میر و هم میزان موالید کنترل و کاهش می‌یابند)، در آن صورت مهاجرت از این قبیل کشورها به خارج معمولاً متوقف می‌شود و غالباً مهاجرپذیر می‌شوند. بسیاری کشورهای اروپایی که سابقاً مهاجرفرست بودند (بویژه مهاجرت اروپائیان به آمریکا)، اینک به کشورهای مهاجرپذیر تبدیل شده‌اند و این مهاجرین نقش مهمی در بازار کار این قبیل کشورها ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، رشد شتابان جمعیت بعنوان یکی از مهمترین دلایل مهاجرت به خارج از کشور زادگاهی محسوب می‌گردد. کاستلس (۲۰۰۶) با مطالعه روندهای مهاجرتی در پنجکشور عمده مهاجرفرست جهان (هند، فیلیپین، مراکش، مکزیک، ترکیه) به این نتیجه رسید که یک ویژگی مشترک و برجسته این پنجکشور این است که بتازگی فرآیند گذار جمعیت‌شناختی را پشت سر نهاده‌اند: کاهش سریع مرگ و میر و افزایش طول عمر و نهایتاً رشد شتابان جمعیت سبب شده است تا حجم انبوه جوانان به سنین کار و فعالیت اقتصادی وارد

1- The Human Capital Theory
2- Sjaastad (1962) and Becker (1964)
3- The Harris-Toredo Model

شوند. در چنین شرایطی، اگر اقتصاد کشور نتواند فرصتهای شغلی لازم را برای این خیل عظیم جوانان جویای کار فراهم آورد، در آنصورت سیل فزاینده مهاجرین به خارج از کشور به راه می افتد که اصطلاحاً به آن پدیده "گذار مهاجرت" نیز گفته می شود. همچنانکه مای (۱۳۹۷) نیز خاطر نشان می کند، معمولاً ترکیبی از عوامل گوناگون اعم از عوامل اقتصادی، جمعیت شناختی، سیاسی و فرهنگی اجتماعی بصورت جاذبه و دافعه توأم در اقدام افراد به مهاجرت نقش دارند. بر همین اساس، چارچوب نظریات تحقیق نیز عمدتاً مبتنی بر یک رویکرد ترکیبی می باشد و برآیندی از این نظریه های اصلی مورد توجه است. بر همین اساس، توانمندی ها و ویژگی های افراد که جایگاه ویژه ای در نظریه سرمایه انسانی و نظریه هورت لی دارند، در این تحقیق در نظر گرفته شده اند. بدین ترتیب، تحقیق حاضر تلاش می کند تا بر پایه چنین رویکرد ترکیبی به بررسی زمینه ها و انگیزه های مهاجرت در جامعه آماری مورد مطالعه بپردازد.

پیشینه تحقیق

مطابق تحقیقات سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، تقریباً نیمی از جوانان منطقه خاورمیانه تمایل دارند تا به خارج از کشور خودشان مهاجرت کنند و انگیزه عمده مهاجرت آنان نیز دستیابی به فرصت های شغلی و تحصیلی مناسبتر می باشد (به نقل از گولدستون و همکاران^۱ ۱۳۹۵). نتایج تحقیق باروچ و همکاران^۲ (۲۰۰۷) درباره وضعیت دانشجویان خارجی مقیم در بریتانیا و ایالات متحده امریکا مبین این نکته اصلی است که درک دانشجویان از تفاوت های نژادی و بازارهای کار، روند سازگاری آنها با کشور میزبان و روابط خانوادگی شان در کشورهای مبدا و مقصد مهاجرت بر تمایل به سکونت تأثیر می گذارند. کاستلس^۳ (۲۰۰۶) با مطالعه روندهای مهاجرتی در پنج کشور عمده مهاجر فرست جهان (هند، فیلیپین، مراکش، مکزیک، ترکیه) به این نتیجه رسید که یک ویژگی مشترک و برجسته این کشورها این است که بتازگی فرآیند گذار جمعیت شناختی را پشت سر نهاده اند: کاهش سریع مرگ و میر و افزایش طول عمر و نهایتاً رشد شتابان جمعیت سبب شده است تا حجم انبوه جوانان به سنین کار و فعالیت اقتصادی وارد شوند. در چنین شرایطی، اگر اقتصاد کشور نتواند فرصتهای شغلی لازم را برای

1- Goldstone, J. et al.

2- Baunach D M and S L Barnes

3- Castles

این خیل عظیم جوانان جویای کار فراهم آورد، در آنصورت سیل فزاینده مهاجرین به خارج از کشور به راه می افتد که اصطلاحاً به آن پدیده "گذار مهاجرت" نیز گفته می شود. نتایج تحقیقات گسترده آدسرا و پیتلی کوا^۱ (۲۰۱۲) در میان مهاجرین مقیم در ۳۰ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا نشان داده است که توانایی در یادگیری و صحبت کردن به زبان کشورهای مقصد مهاجرت، عامل مهمی در تصمیم گیری برای مهاجرت است. متذکر می گردد که پیشتر نیز حجم گسترده ای از تحقیقات و مطالعات به نقش حیاتی و تعیین کننده مهارت های زبانی کشور مقصد مهاجرین در فرآیند مهاجرت انجام گرفت (برای مطالعه تفصیلی آنها مراجعه شود به: فروتن ۱۳۹۱، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷). نتایج یک تحقیق اخیر در خصوص تمایل به مهاجرت به خارج از کشور در میان دانشجویان دانشگاه های کشور کره جنوبی (لی و مون^۲ ۲۰۱۳) نشان داد که نه تنها اکثریت آنان متمایل به این نوع مهاجرت هستند، بلکه این تمایل در میان زنان بمراتب بیشتر و قویتر از مردان می باشد.

در ایران نیز مطالعات و تحقیقاتی در زمینه تمایل به مهاجرت انجام گرفته است. بعنوان نمونه، یافته های پژوهش ابراهیمی (۱۳۸۱) در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه تهران به مهاجرت نشان داده است که عوامل اقتصادی نسبت به سایر عوامل اعم از علمی-آموزشی، فرهنگی-اجتماعی و سیاسی نقش و تاثیر بمراتب مهمتر و بیشتری بر تمایل به مهاجرت ایفا می کنند. درعین حال، نسبت اندکی از آنان تمایل به اقامت دائم در خارج از کشور دارند. مطابق نتایج تحقیق محمدی الموتی (۱۳۸۳) در خصوص نقش جهانی شدن در مهاجرت نیروی انسانی متخصص و بررسی این موضوع در ایران، جهانی شدن بازار کار به معنای شکل گیری یک بازار جهانی است که زمینه ساز مهاجرت نخبگان می باشد و بر همین اساس، راهکارهایی مانند جذب پاره وقت نخبگان و ایجاد شبکه های ارتباط میان نخبگان ارائه شده است. نتایج تحقیق جواهری و سراج زاده (۱۳۸۴) در زمینه عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان دانشگاه های دولتی در ایران به مهاجرت به خارج از کشور نشان داد که دو متغیر پایبندی به جامعه ملی و دین داری به عنوان عوامل بازدارنده و «نگرش انتقادی نسبت به شرایط کنونی و آتی جامعه» به عنوان عوامل ترغیب کننده، محسوب می شوند. نتایج تحقیق

1- Adsera, Alisia & Pylikova, Mariola

2- Lee, E. & Moon, M.

ذکائی (۱۳۸۵) با عنوان «جوانان، جهانی شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی: پژوهشی در میان نخبگان جوان» نشان داده است که فرایند جهانی شدن و ارزش‌های جهان وطنی بر ارزش‌ها و گرایش‌های جوانان به مهاجرت اثرگذار بوده است. مطالعه ارشاد (۱۳۸۶) در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران نشان داد که ۹۲ درصد آنان متمایل به مهاجرت بوده‌اند که ریشه آن را نیز باید در مجموعه‌ای از نابرابری‌ها در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی جستجو کرد. مطابق نتایج تحقیق مقدس و شرفی (۱۳۸۸) در بین جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهرهای شیراز و ارسنجان، نه تنها قاطبه آنان (۹۰ درصد) تمایل به مهاجرت دارند، بلکه این تمایل در بین مردان، مجردین، جوانان سنین ۲۲-۲۵ ساله و دارای تحصیلات لیسانس بمراتب بیشتر و شدیدتر است.

علاوه بر این، نتایج تحقیق شیری و شاه مرادی (۱۳۹۰) درخصوص گرایش به مهاجرت خارج از کشور در میان دانشجویان دختر دانشگاه شیراز نشانگر آن است که نگرش دانشجویان درباره گرایش به مهاجرت از کشور تابعی از عوامل متعدد (شامل وضعیت تأهل، منشأ قومی، محل سکونت، طبقه اجتماعی، جایگاه علم و پژوهش، جایگاه زنان تحصیل کرده، تحصیلات پدر و مادر) می‌باشد. نتایج تحقیق پورقاضی (۱۳۹۱) در خصوص عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت در میان اعضای بنیاد ملی نخبگان استان مازندران نیز نشان داده است که فرصت‌های شغلی بعنوان مهمترین عنصر جاذبه و کم‌توجهی به پژوهش و جایگاه نخبگان بعنوان مهمترین عنصر دافعه محسوب می‌گردند. مطابق یافته‌های پژوهش فروتن و شیخ (۱۳۹۶) در خصوص تمایل دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهاجرت خارج کشور، میزان تمایل آنان به مهاجرت بطور معنی‌داری تابعی از متغیرهایی از قبیل احساس امنیت، دینداری، هویت ملی، و انگیزه‌های اقتصادی و شغلی است.

بدین ترتیب، در جمع‌بندی تحقیقات پیشین می‌توان گفت که مطالعات و تحقیقات در حوزه مهاجرت عمدتاً معطوف به افرادی است که عملاً اقدام به مهاجرت کرده‌اند. بعبارت دقیقتر، مطالعات در این حوزه غالباً بر روی مهاجرین ساکن در جوامع مقصد مهاجرت است. به همین دلیل، مطالعات و تحقیقات بر روی تمایلات مهاجرتی و مهاجرین بالقوه، دارای قدمت بالنسبه کوتاه و اندک و مربوط به چند سال اخیر است. مهمتر آنکه، همین تحقیقات و مطالعات اندک و جدید نیز غالباً معطوف به افراد تحصیلکرده و محیط‌های علمی و دانشگاهی

است. البته، این قبیل افراد معمولاً دارای تمایلات مهاجرتی قوی‌تری هستند، اما گزینش این مجموعه‌های خاص و کم توجهی به سایر گروه‌ها می‌تواند نوعی سوگیری علمی تلقی گردد و یافته‌های این دسته از تحقیقات را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد. به همین سبب، در تحقیق حاضر تلاش کرده‌ایم تا افراد برخوردار از طیف متنوع و متعدد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی (مانند محل سکونت شهر و روستا، سطوح تحصیلات، جنس مردان و زنان، نگرش‌های جنسیتی و دینی و ...) را در نظر بگیریم تا نتایج تحقیق بتواند به نحو مناسب‌تری الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با تمایلات مهاجرین بالقوه را شناسایی و مشخص نماید.

روش تحقیق

به لحاظ روش شناختی، در این تحقیق ابتدا با استفاده از روش بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای، مهمترین مباحث مرتبط با پیشینه و ادبیات تحقیق و مبانی نظری تحقیق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. همچنین، مباحث تجربی این مقاله مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های پژوهش پیمایشی است. با توجه به تنوع و گستردگی جغرافیایی کشور ما و متناسب با بودجه و امکانات محدود پژوهشگران، مناطق کمابیش متعدد و گوناگون انتخاب شده‌اند که تا حدود قابل ملاحظه‌ای در بردارنده گستردگی جغرافیایی و تنوع‌های فرهنگی اجتماعی بخش‌هایی از کشور ما می‌باشند که می‌توان بر اساس آنها برخی از مهمترین الگوهای مرتبط با موضوع تحقیق را فراتر از یک شهرستان و در سطحی نسبتاً گسترده‌تر بررسی کرد. بر همین اساس، جمعیت نمونه این پژوهش را مجموعاً تعداد ۴۲۶۷ نفر مردان و زنان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستانهای اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم‌آباد، سقز، کامیاران، گنبدکاووس، محمودآباد و همدان تشکیل می‌دهند. برای گزینش نمونه‌های تحقیق نیز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است.

جدول شماره ۱ توزیع جمعیت نمونه تحقیق به تفکیک شهرستانهای منتخب، جنس و محل سکونت نشان می‌دهد. ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق نیز پرسشنامه ساخت یافته بود. اعتبار پرسشنامه، اعتبار صوری است و برای دستیابی به پایایی مورد قبول، با انجام پیش‌آزمون و میانگین آلفای کرونباخ حدود ۰/۷۹ همسازگی گویه‌های پرسشنامه تأمین گردید. پس از گردآوری داده‌های موردنیاز این تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه، از برنامه

نرم افزار SPSS و مجموعه ای از آماره‌های توصیفی و آزمون‌های تحلیل استنباطی برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق استفاده شد که نتایج این تجزیه و تحلیل‌های تحقیق در بخش بعدی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

علاوه بر این، متغیرهای مستقل این تحقیق نیز شامل سه دسته اصلی می‌باشند: دسته اول، متغیرهای جمعیت‌شناختی که مشتمل بر متغیرهایی همچون سن، جنس، محل سکونت، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات می‌باشد. دسته دوم متغیرهای مستقل نیز معطوف به مؤلفه‌های مرتبط با نگرش‌های جنسیتی مشتمل بر نحوه نگرش به الگوی سنتی نقش‌های جنسیتی "مرد، نان آور خانوار" و نحوه نگرش نسبت به اشتغال زنان در کار خارج خانه است. دسته سوم متغیرهای مستقل مربوط به نگرش دینی است که در این تحقیق به سه روش زیر مورد سنجش و مطالعه قرار گرفته است. ابتدا، از روش متداول در "برنامه بین‌المللی پیمایش اجتماعی" (ISSP)^۱ استفاده شده است که در این روش، پاسخگویان ارزیابی شخصی خودشان در خصوص سطح دینداری خویش (بدین معنا که خودشان را بطور کلی تاچه حد مذهبی و دیندار ارزیابی می‌کنند) را در یک طیف پنجگانه (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم، اصلاً) در پرسشنامه تحقیق اظهار کرده‌اند. روشهای دوم و سوم نیز ناظر بر حجاب و پوشش زنان در اماکن عمومی می‌باشد بدین معنا که ابتدا نگرش نسبت به نوع حجاب و پوشش زنان در اماکن عمومی (شامل چادر، مقنعه، روسری، عدم موافقت با این انواع پوشش) و سپس، نحوه نگرش نسبت به تصمیم‌گیری زنان در خصوص نوع حجاب و پوشش خودشان نیز در طیف چهارگانه (کاملاً موافق، موافق، مخالف، کاملاً مخالف) مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۱. توزیع جمعیت نمونه تحقیق به تفکیک شهرستانهای منتخب و جنس

| شهرستان محل سکونت | مرد | زن | مرد و زن |
|-------------------|------|------|----------|
| اسفراین | ۲۰۶ | ۱۹۴ | ۴۰۰ |
| اهواز | ۲۴۴ | ۲۱۷ | ۴۶۱ |
| بابلسر | ۲۸۶ | ۲۷۰ | ۵۵۶ |
| بجنورد | ۲۳۵ | ۲۳۵ | ۴۷۰ |
| خرم آباد | ۲۴۰ | ۲۴۰ | ۴۸۰ |
| سقز | ۱۵۰ | ۱۵۰ | ۳۰۰ |
| کامیاران | ۱۵۰ | ۱۵۰ | ۳۰۰ |
| گنبدکاووس | ۱۸۹ | ۲۱۱ | ۴۰۰ |
| محمودآباد | ۲۰۲ | ۱۹۸ | ۴۰۰ |
| همدان | ۲۶۸ | ۲۳۲ | ۵۰۰ |
| حجم نمونه | ۲۱۷۰ | ۲۰۹۷ | ۴۲۶۷ |

یافته‌ها

ویژگیهای جمعیتی نمونه تحقیق

همچنانکه پیشتر نیز ذکر شد، جمعیت نمونه تحقیق را تعداد ۴۲۶۷ نفر مردان و زنان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستانهای اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم آباد، سقز، کامیاران، گنبدکاووس، محمودآباد و همدان تشکیل می‌دهند که ۵۱/۱ درصد آنها را جمعیت مردان و ۴۸/۹ درصد را نیز جمعیت زنان شامل می‌شوند. از نقطه نظر محل سکونت نیز ۶۳/۸ درصد جمعیت نمونه تحقیق ساکن نقاط شهری و مابقی آنها نیز ساکن نقاط روستایی می‌باشند. میانه سنی جمعیت نمونه تحقیق نیز ۳۱/۹ سال می‌باشد که با میانه سنی جمعیت کل کشور (حدود ۳۰ سال) تقریباً برابر و یکسان می‌باشد. از نقطه نظر وضعیت تاهل نیز نزدیک به دو سوم جمعیت نمونه تحقیق را افراد متاهل و قریب به یک سوم را نیز افراد مجرد تشکیل می‌دهند و نسبت افراد بی‌همسر در اثر طلاق و در اثر فوت همسر نیز بسیار ناچیز (به ترتیب، ۱/۶ درصد و ۲/۳ درصد) می‌باشد. توزیع جمعیت نمونه تحقیق بر حسب سطح تحصیلات نشان می‌دهد که کمتر از ۱۰ درصد بیسواد، ۲۰ درصد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۴۰ درصد تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم، حدود ۳۰ درصد نیز دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر می‌باشند.

الگوهای کلی تمایلات مهاجرت

بر پایه تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر می‌توان الگوهای کلی زیر را استنباط کرد. اول آنکه، بطور کلی نزدیک به نیمی از جمعیت مورد مطالعه تمایل به مهاجرت خارج از کشور دارند. دوم آنکه، مردان بیش از زنان متمایل به مهاجرت هستند: بیش از نیمی از مردان و در حدود دو پنجم زنان تمایل به مهاجرت دارند. سوم آنکه، تجزیه و تحلیل تمایلات مهاجرتی برحسب متغیر محل سکونت نشان می‌دهد که شهرنشینان بیش از روستائیان تمایل به مهاجرت دارند. این الگوی کلی هم بر جمعیت مردان و هم بر جمعیت زنان صدق می‌کند. بدین ترتیب، با ترکیب دو نکته اخیر می‌توان گفت که بیشترین و کمترین تمایل به مهاجرت را می‌توان به ترتیب در مردان شهری و زنان روستایی مشاهده کرد. چهارم آنکه، مجردین بطور کاملاً برجسته‌ای بیش از متاهلین دارای تمایل به مهاجرت هستند: بیش از دو سوم مجردین و تنها حدود دو پنجم متاهلین متمایل به مهاجرت هستند. اگرچه این الگوی کلی را می‌توان هم در بین مردان و هم در بین زنان مشاهده کرد، اما این الگو در بین زنان بمراتب مشهودتر و برجسته‌تر است: نزدیک به دو سوم زنان مجرد و تنها حدود یک سوم زنان متاهل به مهاجرت تمایل دارند.

جدول ۲. تمایل به مهاجرت برحسب متغیرهای جمعیت شناختی (%)

| متغیر | مرد | زن | مرد و زن |
|---------------|------|------|----------|
| جنس | | | |
| کل | ۵۱.۲ | ۴۲.۵ | ۴۶.۹ |
| محل سکونت | | | |
| مناطق روستایی | ۴۸.۲ | ۳۹.۹ | ۴۳.۹ |
| مناطق شهری | ۵۲.۷ | ۴۴.۱ | ۴۸.۵ |
| وضعیت تاهل | | | |
| مجرد | ۶۷.۰ | ۶۰.۳ | ۶۳.۸ |
| متاهل | ۴۴.۷ | ۳۵.۸ | ۴۰.۴ |
| سطح تحصیلات | | | |
| بیسواد | ۳۶.۹ | ۲۰.۹ | ۲۶.۷ |
| ابتدایی | ۳۵.۱ | ۲۹.۳ | ۳۲.۰ |
| راهنمایی | ۳۵.۲ | ۳۰.۸ | ۳۲.۹ |

| | | | |
|------|------|------|------------|
| ۴۵.۲ | ۴۱.۳ | ۴۹.۱ | دبیرستان |
| ۵۳.۱ | ۴۵.۳ | ۵۷.۹ | فوق دیپلم |
| ۵۶.۶ | ۵۴.۱ | ۵۹.۲ | لیسانس |
| ۶۶.۱ | ۶۰.۴ | ۶۴.۹ | فوق لیسانس |
| ۶۹.۲ | ۶۴.۷ | ۷۰.۶ | دکتری |
| | | | گروه سنی |
| ۶۴.۰ | ۵۷.۶ | ۷۲.۷ | ۱۹-۱۵ |
| ۵۷.۹ | ۵۸.۸ | ۵۶.۶ | ۲۴-۲۰ |
| ۵۳.۶ | ۴۸.۸ | ۵۸.۸ | ۲۹-۲۵ |
| ۴۷.۸ | ۳۸.۳ | ۵۶.۲ | ۳۴-۳۰ |
| ۴۲.۴ | ۳۴.۱ | ۴۹.۸ | ۳۹-۳۵ |
| ۴۱.۸ | ۳۶.۶ | ۴۵.۶ | ۴۴-۴۰ |
| ۳۴.۹ | ۲۸.۹ | ۴۰.۰ | ۴۹-۴۵ |
| ۳۰.۶ | ۲۳.۱ | ۳۶.۷ | ۵۴-۵۰ |
| ۲۴.۹ | ۱۴.۹ | ۳۲.۰ | ۵۹-۵۵ |
| ۲۰.۶ | ۱۶.۰ | ۲۳.۵ | +۶۰ |
| ۴۲۶۷ | ۲۰۹۷ | ۲۱۷۰ | فراوانی |

تأثیرات متغیرهای سن و تحصیلات بر تمایلات مهاجرت

نتایج تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تمایل به مهاجرت بطور معنی‌داری تحت تأثیر متغیرهای سن و تحصیلات است. اولاً، بررسی میزان تمایل افراد به مهاجرت بر حسب سن آنها نشان می‌دهد که بیشترین و قویترین تمایل به مهاجرت در بین نوجوانان و جوانان مشاهده می‌شود. بطوریکه بیش از دو سوم ۱۵-۱۹ ساله‌ها و بیش از نیمی از ۲۰-۲۹ ساله‌ها تمایل به مهاجرت دارند. درحالی‌که همزمان با افزایش سن، میزان تمایل به مهاجرت به تدریج رو به افول می‌گذارد. بطوریکه نهایتاً کمتر از یک سوم بزرگسالان بالای ۴۵ ساله متمایل به مهاجرت هستند. ثانیاً، الگوی فوق‌الذکر درخصوص تأثیرات سن بر تمایلات مهاجرت را می‌توان هم در بین مردان و هم در بین زنان مشاهده کرد. درعین حال، روند کاهش میزان تمایل به مهاجرت در بین زنان بزرگسال بمراتب برجسته‌تر است، بطوریکه کمتر از یک چهارم زنان بزرگسال بالای ۴۵ ساله تمایل به مهاجرت دارند، درحالی‌که بیش از یک سوم مردان بزرگسال بالای ۴۵ ساله متمایل به مهاجرت هستند. ثالثاً، سطح تحصیلات نیز نقش تعیین‌

کننده‌ای بر میزان تمایل به مهاجرت ایفا می‌کند. در واقع، همزمان با افزایش سطح تحصیلات، میزان تمایل به مهاجرت نیز بطور خیره‌کننده‌ای روند صعودی را طی می‌کند: فقط یک چهارم بی‌سوادان و یک سوم کم‌سوادان با تحصیلات ابتدایی و راهنمایی متمایل به مهاجرت هستند. اما این نسبت در سطوح بالاتر تحصیلات رو به افزایش می‌گذارد: بیش از نیمی از افراد با تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس، بیش از دو سوم افراد با تحصیلات فوق لیسانس، و نهایتاً نزدیک به سه چهارم افراد با تحصیلات دکتری تمایل به مهاجرت دارند. بعبارت دقیق‌تر، میزان تمایل به مهاجرت در بین تحصیل‌کردگان دانشگاهی بیش از دو برابر میزان آن در بین بی‌سوادان و کم‌سوادان است. رابعاً، نه تنها الگوی فوق‌الذکر در خصوص نقش سطح تحصیلات بر تمایلات مهاجرت هم بر مردان و هم بر زنان صدق می‌کند، بلکه در هر یک از سطوح تحصیلات، مردان کماکان بیش از زنان تمایل به مهاجرت دارند. این تفاوت جنسیتی را می‌توان بطور کاملاً برجسته‌تری در پایین‌ترین سطح تحصیلات مشاهده کرد: میزان تمایل به مهاجرت در بین مردان بیسواد نزدیک به دو برابر بیشتر از میزان آن در بین زنان بی‌سواد است. علت آن نیز این است که کمترین میزان تمایل به مهاجرت متعلق به زنان بیسواد است: تنها یک پنجم آنان متمایل به مهاجرت هستند. در نتیجه، تأثیرات سطح تحصیلات بر تمایل زنان به مهاجرت به مراتب برجسته‌تر است: میزان تمایل به مهاجرت در بین زنان دارای تحصیلات فوق لیسانس و دکتری، سه برابر بیشتر از میزان آن در بین زنان بیسواد است. علاوه بر این، نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری تحقیق مبتنی بر آماره‌های کای اسکوئر و کرامرز وی نیز تأیید می‌کنند که رابطه آماری معنی‌داری بین تمایل به مهاجرت و هر یک از دو متغیر مستقل سن اسکوئر = ۲.۱۵، و کرامرز وی = ۰.۲۲۵) به شرح فوق‌الذکر وجود دارد.

تأثیرات نگرش‌های جنسیتی بر تمایلات مهاجرت

آیا تمایلات افراد به مهاجرت تابعی از نحوه نگرش آنها نسبت به نقش‌های جنسیتی است؟ در پاسخ به این پرسش کلیدی و مطابق نتایج تجزیه و تحلیل‌های تحقیق حاضر بطور کلی می‌توان گفت که هرچه صبغه نگرش سنتی و محافظه‌کارانه نسبت به نقش‌های جنسیتی برجسته‌تر و قوی‌تر باشد، تمایل کمتری برای مهاجرت وجود دارد. برعکس، هرچه غلبه نگرش مدرن و لیبرال نسبت به نقش‌های جنسیتی برجسته‌تر و قوی‌تر می‌شود، میزان تمایل به مهاجرت نیز

شدت می‌گیرد. بعنوان مثال، حدود یک سوم کسانی که کاملاً موافق با الگوی سنتی مرد نان آور خانوار هستند، تمایل به مهاجرت دارند. درحالی‌که این نسبت بیش از نیمی از کسانی را دربرمی‌گیرد که کاملاً مخالف با این الگوی سنتی نقش‌های جنسیتی هستند. مثال دیگر مربوط به تاثیر نحوه نگرش به اشتغال زنان بر تمایلات مهاجرت است: بیش از نیمی از کسانی که کاملاً موافق با اشتغال زنان هستند، تمایل به مهاجرت دارند، درحالی‌که فقط حدود یک سوم کسانی که کاملاً مخالف با اشتغال زنان هستند، تمایل به مهاجرت می‌باشند. علاوه براین، نکته بمراتب مهمتر مربوط به تفاوت جنسیتی قابل ملاحظه‌ای است که در الگوهای فوق‌الذکر مشاهده می‌شود: بدین معناکه اگرچه الگوهای فوق‌الذکر هم بر مردان و هم بر زنان صدق می‌کند، اما شدت و قوت تاثیرات نحوه نگرش جنسیتی بر روی تمایلات مهاجرت زنان بمراتب برجسته‌تر و محسوس‌تر است. بعنوان مثال، آن دسته از زنانی که کاملاً مخالف با اشتغال زنان در کار خارج خانه هستند دارای کمترین میزان تمایل به مهاجرت هستند بطوریکه فقط یک سوم آنان تمایل به مهاجرت دارند. اما این نسبت در بین زنانی که کاملاً موافق با اشتغال زنان هستند بطور چشمگیری افزایش می‌یابد، بدین معناکه بیش از نیمی از آنان تمایل به مهاجرت هستند. علاوه براین، این تفاوت جنسیتی را می‌توان بطور برجسته تری در نحوه نگرش به الگوی سنتی مرد نان آور خانوار نیز مشاهده کرد: میزان تمایل به مهاجرت در بین زنانی که کاملاً مخالف با این الگوی سنتی نقش‌های جنسیتی هستند، دو برابر بیشتر از میزان آن در بین زنانی است که کاملاً موافق با این الگوی سنتی نقش‌های جنسیتی هستند. همچنین، مطابق یافته های آماری تحقیق حاضر مبتنی بر آماره های کای اسکوتر و کرامرز وی می‌توان گفت که وجود رابطه آماری معنی دار بین تمایل به مهاجرت و نحوه نگرش نسبت به هر یک از دو مؤلفه نقش‌های جنسیتی یعنی الگوی مرد نان آور خانوار (مقدار کای اسکوتر = ۵۸.۸۶۹، و مقدار کرامرز وی = ۰.۱۱۷) و اشتغال زنان (مقدار کای اسکوتر = ۶۸.۸۲۱، و مقدار کرامرز وی = ۰.۱۲۷) به شرح فوق مورد تایید است.

جدول ۳. تمایل به مهاجرت برحسب متغیرهای مرتبط با نگرش جنسیتی و دینداری (%)

| مرد و زن | زن | مرد | متغیرهای دینداری و نگرش جنسیتی |
|----------|------|------|--------------------------------|
| | | | الگوی "مرد، نان آور خانوار" |
| ۳۸.۲ | ۲۷.۷ | ۴۵.۶ | کاملاً موافق |
| ۴۵.۵ | ۴۲.۶ | ۴۸.۳ | موافق |
| ۵۱.۰ | ۴۷.۲ | ۵۰.۴ | مخالف |
| ۵۳.۹ | ۵۱.۱ | ۵۵.۸ | کاملاً مخالف |
| | | | اشتغال زنان |
| ۵۵.۱ | ۵۱.۳ | ۶۱.۹ | کاملاً موافق |
| ۴۷.۸ | ۴۱.۶ | ۵۴.۱ | موافق |
| ۴۲.۵ | ۳۳.۶ | ۴۶.۵ | مخالف |
| ۳۶.۲ | ۳۱.۱ | ۳۹.۵ | کاملاً مخالف |
| | | | سطح دینداری |
| ۳۰.۱ | ۲۶.۸ | ۳۳.۶ | خیلی زیاد |
| ۳۸.۷ | ۳۵.۹ | ۴۲.۳ | زیاد |
| ۵۱.۴ | ۵۱.۴ | ۵۹.۹ | کم |
| ۵۷.۰ | ۵۹.۲ | ۵۵.۵ | خیلی کم |
| ۶۴.۷ | ۵۴.۳ | ۷۰.۱ | اصلاً |
| | | | نوع پوشش زنان در اماکن عمومی |
| ۳۲.۵ | ۲۴.۰ | ۳۹.۴ | پوشش چادر |
| ۴۸.۹ | ۴۶.۷ | ۵۱.۱ | پوشش مقنعه |
| ۵۶.۷ | ۵۱.۹ | ۶۲.۱ | پوشش روسری |
| ۷۹.۳ | ۷۵.۸ | ۸۳.۳ | عدم موافقت |
| | | | تصمیم گیری زنان در خصوص پوشش |
| ۵۲.۵ | ۴۷.۸ | ۶۱.۳ | کاملاً موافق |
| ۴۷.۰ | ۴۲.۰ | ۵۲.۱ | موافق |
| ۴۲.۷ | ۳۹.۷ | ۴۴.۴ | مخالف |
| ۴۲.۰ | ۲۸.۶ | ۴۸.۸ | کاملاً مخالف |
| | | | مهمترین انگیزه های مهاجرت |
| ۲۹.۲ | ۳۴.۵ | ۲۴.۰ | آموزشی و تحصیلی |
| ۴۸.۸ | ۴۵.۰ | ۵۲.۴ | اقتصادی و شغلی |
| ۱۴.۷ | ۱۳.۷ | ۱۵.۷ | فرهنگی و مذهبی |
| ۶.۵ | ۶.۳ | ۶.۷ | انگیزه های سیاسی |
| ۴۲۶۷ | ۲۰۹۷ | ۲۱۷۰ | فراوانی |

تأثیرات نگرش‌های دینی بر تمایلات مهاجرت

آیا نحوه نگرش دینی افراد دارای تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر تمایلات مهاجرتی آنان است؟ در مجموع، یافته‌های این بخش از تحقیق حاضر بر این نکته اساسی تأکید می‌کنند که اساساً تمایل به مهاجرت با نحوه نگرش دینی پیوند خورده است. بدین معنا که هرچه بر شدت و قوت نگرش دینی افزوده می‌شود، از میزان تمایل به مهاجرت کاسته می‌شود. برعکس، همزمان با تضعیف نگرش دینی، بر اهمیت و شدت تمایل به مهاجرت افزوده می‌گردد. درچارچوب همین اصل کلی، می‌توان به نکات اساسی زیر مبتنی بر نتایج تحقیق حاضر اشاره کرد: اول آنکه، کمتر از یک سوم افراد با دینداری در حد خیلی زیاد، تمایل به مهاجرت دارند. اما میزان تمایل به مهاجرت در بین افراد دارای سطوح پایین‌تر دینداری رو به افزایش می‌گذارد بطوریکه در حدود دو سوم افراد با سطح دینداری "خیلی کم" و "اصلاً"، تمایل به مهاجرت دارند. دوم آنکه، هرچه افراد خواهان حجاب پوشیده‌تری برای زنان هستند، تمایل کمتری به مهاجرت دارند. برعکس، هرچه نگرش افراد به سوی انواع ملایم‌تر حجاب مانند مقنعه و روسری سوق می‌یابد، تمایل آنان به مهاجرت بیشتر می‌شود: تنها یک سوم افراد که به پوشیده‌ترین نوع حجاب یعنی چادر معتقدند، تمایل به مهاجرت دارند. درحالیکه، نیمی از کسانی که به حجاب مقنعه و نزدیک به دو سوم کسانی که به حجاب روسری اعتقاد دارند، متمایل به مهاجرت هستند. درعین حال، بیشترین میزان تمایل به مهاجرت متعلق به کسانی است که دارای نگرش عدم موافقت نسبت به این انواع پوشش زنان هستند: در حدود چهار پنجم آنان تمایل به مهاجرت دارند.

سوم آنکه، میزان تمایل افراد به مهاجرت تحت تأثیر نحوه نگرش آنها نسبت به تصمیم‌گیری زنان درباره نوع پوشش و حجاب خودشان است: در حدود دو پنجم کسانی که با چنین تصمیم‌گیری مخالف هستند، تمایل به مهاجرت دارند، درحالیکه بیش از نیمی از کسانی که با چنین تصمیم‌گیری کاملاً مخالف می‌باشند، متمایل به مهاجرت هستند. نکته پایانی مربوط به تفاوت‌های جنسیتی معطوف به تأثیرات مؤلفه‌های دینداری بر روی تمایلات مهاجرتی است. بدین معنا که اگرچه الگوهای سه‌گانه فوق‌الذکر هم بر مردان و هم بر زنان صدق می‌کند، علی‌الحد در هر یک از سطوح دینداری، مردان بیش از زنان متمایل به مهاجرت هستند. در واقع، حتی در بین مردان با سطوح بالای دینداری نیز تمایل نسبتاً زیادی به مهاجرت مشاهده می‌گردد. بعنوان مثال، حتی بیش از یک سوم مردان با سطح دینداری در حد خیلی زیاد نیز تمایل

به مهاجرت دارند، درحالیکه این نسبت در بین زنان بمراتب کمتر یعنی حدود یک چهارم است. مثال دیگر اینکه، حتی دو پنجم مردانی که به پوشیده‌ترین نوع حجاب یعنی چادر معتقدند، تمایل به مهاجرت دارند، اما کمتر از یک چهارم زنان معتقد به حجاب چادر، متمایل به مهاجرت هستند. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که شدت تاثیرگذاری و غلبه مؤلفه‌های دینداری بر روی میزان تمایل به مهاجرت زنان (در مقایسه با تاثیرات آنها بر روی میزان تمایل مردان به مهاجرت) بمراتب بیشتر است. علاوه بر این، نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری تحقیق با استفاده از آماره‌های کای اسکوتر و کرامرز وی نیز تایید می‌کنند که رابطه آماری معنی‌داری بین تمایل به مهاجرت و نحوه نگرش نسبت به هر یک از مؤلفه‌های مرتبط با دین یعنی سطح دینداری (مقدار کای اسکوتر = ۱.۸۴۴، و مقدار کرامرز وی = ۰.۲۰۸) و نوع حجاب زنان (مقدار کای اسکوتر = ۳.۸۷۵، و مقدار کرامرز وی = ۰.۳۰۱) وجود دارد.

انگیزه‌های اصلی مهاجرت

مهمترین انگیزه‌های مهاجرت به خارج از کشور کدامند؟ در پاسخ به این پرسش کلیدی و مطابق نتایج تجزیه و تحلیل‌های تحقیق حاضر می‌توان به نکات اصلی زیر اشاره کرد. نکته اول اینکه، بیشترین و مهمترین انگیزه برای مهاجرت مربوط به عوامل اقتصادی و شغلی است بدین معنا که نیمی از مهاجرین بالقوه به سبب انگیزه‌های اقتصادی و شغلی تمایل به مهاجرت دارند. پس از آن نیز انگیزه‌های آموزشی و تحصیلی بعنوان مهمترین دلایل مهاجرت محسوب می‌شوند، بطوریکه نزدیک به یک سوم افراد بنابه علل و انگیزه‌های آموزشی و تحصیلی متمایل به مهاجرت هستند. نهایتاً، حدود یک پنجم افراد نیز مجموعاً به دلایل فرهنگی مذهبی و انگیزه‌های سیاسی تمایل به مهاجرت دارند. نکته دوم اینکه، الگوهای کلی فوق‌الذکر برحسب متغیر جنس کمابیش یکسان و مشابه است بدین معنا که هم برای مردان و هم برای زنان، انگیزه‌های اقتصادی شغلی و انگیزه‌های آموزشی تحصیلی به‌عنوان مهمترین علل مهاجرت محسوب می‌شوند. نکته سوم مربوط به تفاوت‌های جنسیتی در زمینه انگیزه‌های اصلی مهاجرت است: اگرچه انگیزه‌های اقتصادی شغلی و انگیزه‌های آموزشی تحصیلی، به ترتیب، بعنوان مهمترین علل مهاجرت هم برای مردان و هم برای زنان تلقی می‌شوند، اما میزان شدت و قوت آنها در بین مردان و زنان متفاوت است. این تفاوت جنسیتی عمدتاً ناشی از این واقعیت است که غلبه "انگیزه‌های اقتصادی شغلی" بر تمایل مردان به

مهاجرت بسیار برجسته و چشمگیر است: بیش از نیمی از آنان بنابه علل اقتصادی و شغلی خواهان مهاجرت هستند و کمتر از یک چهارم آنان انگیزه‌های آموزشی تحصیلی را علت عمده مهاجرت تلقی می‌کنند. عبارت دقیق‌تر، نسبت مردانی که به انگیزه‌های اقتصادی و شغلی تمایل به مهاجرت دارند، بیش از دو برابر مردانی است که به جهت انگیزه‌های آموزشی تحصیلی متمایل به مهاجرت هستند. در چارچوب این تفاوت‌های جنسیتی می‌توان گفت که انگیزه‌های اقتصادی شغلی دارای نقش بمراتب مهمتری در تمایل مردان به مهاجرت است، درحالی‌که انگیزه‌های آموزشی تحصیلی نقش بمراتب قویتری در تمایل زنان به مهاجرت ایفا می‌کند. بعنوان مثال، بیش از یک سوم زنان و کمتر از یک چهارم مردان، انگیزه‌های آموزشی تحصیلی را مهمترین علت مهاجرت تلقی می‌کنند.

جدول ۴. نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری تعیین‌کننده‌های مرتبط با تمایل به مهاجرت

| شاخص‌های آماری | | | | متغیر مستقل |
|----------------|----|------------|------------|--------------------|
| Sig | df | Cramer's V | Chi-Square | |
| ۰.۰۰۰ | ۲ | ۰.۰۸۷ | ۳۲.۲۱۸ | جنسیت |
| ۰.۰۱۳ | ۲ | ۰.۰۴۵ | ۸.۷۲۵ | محل سکونت |
| ۰.۰۰۰ | ۱۲ | ۰.۲۲۵ | ۲.۱۵۵ | تحصیلات |
| ۰.۰۰۰ | ۸ | ۰.۲۴۶ | ۲.۵۷۵ | وضعیت تاهل |
| ۰.۰۰۰ | ۱۰ | ۰.۱۱۷ | ۵۸۸۶۹ | مرد نان آور خانوار |
| ۰.۰۰۰ | ۸ | ۰.۱۲۷ | ۶۸۸۲۱ | اشتغال زنان |
| ۰.۰۰۰ | ۱۲ | ۰.۲۰۸ | ۱۸۴۴ | میزان دینداری |
| ۰.۰۰۰ | ۸ | ۰.۳۰۱ | ۳۸۷۵ | نوع حجاب زنان |

نتایج تحلیل‌های چندمتغیره

نتایج تحلیل‌های رگرسیون لجستیک مرتبط با تعیین‌کننده‌های نگرش به مهاجرت در قالب دو مدل چندمتغیره در جدول ۵ نشان داده شده است. در مدل اول، متغیرهای جمعیت شناختی شامل جنسیت، محل سکونت، گروه سنی، تحصیلات، و وضعیت تاهل، به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. در مدل دوم، علاوه بر متغیرهای جمعیت شناختی، متغیرهای اجتماعی- فرهنگی شامل دینداری، نوع پوشش زنان در اماکن عمومی، تصمیم‌گیری زنان در خصوص نوع پوشش خودشان و الگوی مرد نان‌آور خانوار نیز به عنوان متغیر مستقل

مدنظر قرار گرفته اند. بطور خلاصه، مدل چند متغیری اول مبتنی بر آزمون اوم نی بوس، برازش مدل قابل قبول و در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۱ معنی دار است. نتایج دو آماره پزودو (ضریب تعیین کاکس و نل و ضریب تعیین نیجل کرک) حاکی از آن است که پنج متغیر مستقل تحقیق توانسته اند بین ۱۰/۵ تا ۱۴ درصد از تغییرات نگرش به مهاجرت را تبیین کنند. صحت طبقه بندی در این مدل ۶۵/۶ درصد می باشد. علاوه بر این، مدل چند متغیری دوم نیز مبتنی بر آزمون اوم نی بوس، برازش مدل قابل قبول و در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۱ معنی دار است. نتایج دو آماره پزودو (ضریب تعیین کاکس و نل و ضریب تعیین نیجل کرک) حاکی از آن است که پنجمتغیر مستقل تحقیق توانسته اند بین ۱۴ تا ۲۴ درصد از تغییرات نگرش به مهاجرت را تبیین کنند. صحت طبقه بندی در این مدل ۶۸/۸ درصد می باشد. قدرت تبیین مدل با ورود متغیرهای اجتماعی - فرهنگی در حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است.

جدول ۵. نتایج تحلیل های رگرسیون لجستیک تعیین کننده های مرتبط با تمایل به مهاجرت

| مدل چند متغیری ۲ | | مدل چند متغیری ۱ | | متغیرهای مستقل | |
|------------------|---------|------------------|---------|--------------------|-----------|
| Sig | Exp(B) | Sig | Exp(B) | | |
| - | - | - | - | مردان (گروه مرجع) | جنسیت |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۴۹۹** | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۲۱** | زنان | |
| - | - | - | - | شهر (گروه مرجع) | محل سکونت |
| ۰/۰۴۲ | ۱/۲۲۰* | ۰/۸۰۶ | ۰/۹۷۸ | روستا | |
| - | - | - | - | ۱۹-۱۵ (گروه مرجع) | گروه سنی |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۴۸۰** | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۷۵** | ۲۴-۲۰ | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۴۵۷** | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۶۶** | ۲۹-۲۵ | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۴۶۲** | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۶۵** | ۳۴-۳۰ | |
| ۰/۰۰۳ | ۰/۵۱۹** | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۸۳** | ۳۹-۳۵ | |
| ۰/۰۱۰ | ۰/۵۵۲* | ۰/۰۰۳ | ۰/۵۳۰** | ۴۴-۴۰ | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۶۵** | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۵۵** | ۴۹-۴۵ | |
| ۰/۰۰۲ | ۰/۴۶۸** | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۲۶** | ۵۴-۵۰ | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۱۸** | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۲۵** | ۵۹-۵۵ | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۳۱۳** | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۰۹** | +۶۰ | |
| - | - | - | - | بیسواد (گروه مرجع) | تحصیلات |
| ۰/۵۹۳ | ۰/۸۷۹ | ۰/۹۳۸ | ۱/۰۱۸ | ابتدایی | |

| | | | | | |
|-------|--------|-------|--------|-------------------------|-------------------|
| ۰/۰۱۶ | ۰/۵۵۴* | ۰/۱۵۵ | ۰/۷۲۲ | راهنمایی | |
| ۰/۰۴۰ | ۰/۶۱۸* | ۰/۶۹۶ | ۰/۹۱۸ | دبیرستان | |
| ۰/۴۲۲ | ۱/۲۱۶ | ۰/۰۱۰ | ۱/۷۹۴* | فوق دیپلم | |
| ۰/۴۲۸ | ۱/۲۰۹ | ۰/۰۰۶ | ۱/۸۳۷* | لیسانس | |
| ۰/۰۲۹ | ۱/۸۶۳* | ۰/۰۰۰ | ۲/۸۰۷* | فوق لیسانس | |
| ۰/۱۸۴ | ۱/۹۳۲ | ۰/۰۳۶ | ۲/۶۴۴* | دکتری | |
| - | - | - | - | مجرد (گروه مرجع) | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۵۷۶* | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۴۵* | متاهل | وضعیت تاهل |
| ۰/۷۷۰ | ۰/۹۰۰ | ۰/۸۶۲ | ۰/۹۴۴ | طلاق گرفته | |
| ۰/۰۳۶ | ۰/۴۷۷* | ۰/۰۲۶ | ۰/۴۷۷* | فوت همسر | |
| - | - | - | - | خیلی زیاد (گروه مرجع) | |
| ۰/۱۰۷ | ۱/۲۷۶ | | | زیاد | دینداری |
| ۰/۰۰۰ | ۱/۷۴۹* | | | کم | |
| ۰/۰۱۴ | ۱/۶۳۹* | | | خیلی کم | |
| ۰/۰۲۸ | ۲/۱۶۸* | | | اصلا | |
| ۰/۰۰۰ | ۲/۲۷۵* | | | نه مذهبی نه غیر مذهبی | |
| - | - | - | - | کاملا موافق (گروه مرجع) | |
| ۰/۰۱۸ | ۱/۳۲۸* | | | موافق | الگوی مرد نان‌آور |
| ۰/۰۰ | ۱/۷۰۵* | | | مخالف | خانوار |
| ۰/۰۳۵ | ۱/۳۶۷* | | | کاملا مخالف | |
| - | - | - | - | پوشش چادر (گروه مرجع) | |
| ۰/۰۰۰ | ۱/۷۹۶* | | | پوشش مقنعه | نوع پوشش زنان |
| ۰/۰۰۰ | ۲/۱۹۲* | | | پوشش روسری | در اماکن عمومی |
| ۰/۰۰۰ | ۴/۶۸۴* | | | عدم موافقت | |
| - | - | - | - | کاملا موافق (گروه مرجع) | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۶۴۷* | | | موافق | تصمیم‌گیری زنان |
| ۰/۳۲۴ | ۰/۸۸۲ | | | مخالف | در خصوص نوع پوشش |
| ۰/۵۰۱ | ۰/۹۰۶ | | | کاملا مخالف | |

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق توجه و تمرکز اصلی ما معطوف به مهاجرین بالقوه در ایران بوده است و تلاش کرده‌ایم تا برخی از مهمترین الگوها و تعیین کننده‌های مرتبط با تمایل به مهاجرت خارج از کشور را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. مطابق نتایج تحقیق حاضر بطور کلی نزدیک به نیمی از جمعیت مورد مطالعه تمایل به مهاجرت دارند. مردان بیش از زنان تمایل به مهاجرت دارند: بیش از نیمی از مردان و دو پنجم زنان متمایل به مهاجرت هستند. علی‌ایحال، نتایج این تحقیق نشان داده است که این الگوهای کلی تمایلات مهاجرتی تحت تاثیر سه دسته عوامل تعیین کننده زیر است. دسته اول مربوط به عوامل و متغیرهای جمعیت شناختی مانند سن، وضعیت تاهل، محل سکونت و سطح تحصیلات است. مطابق یافته‌های این تحقیق، مجردین بیش از متاهلین، و نوجوانان و جوانان ۱۵-۲۹ ساله نیز بیش از سایر گروه‌های سنی، تمایل به مهاجرت دارند. این الگوها را می‌توان در چارچوب نظریه انسجام اجتماعی^۱ امیل دورکیم و نظریه مهاجرتی اورت لی (۱۹۶۶) تبیین کرد: مطابق نظریه انسجام اجتماعی، متاهلین و مسن‌ترها (در مقایسه با مجردین و افراد کم سن و سال) معمولاً دارای تعلق و پایداری اجتماعی بیشتری هستند که سبب تقویت روحیه احتیاط و ملاحظه کاری و مهار ریسک‌پذیری و رفتارهای ماجراجویانه در بین آنها می‌شود. درحالی‌که، مطابق نظریه مهاجرت اورت لی (۱۹۶۶)، ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی افراد مانند ریسک‌پذیری و رفتارهای ماجراجویانه از مهمترین عناصر مهاجرت محسوب می‌شوند. بنابراین در چارچوب این رویکردهای نظری، تمایل بیشتر به مهاجرت در میان مجردین و افراد واقع در جوانترین گروه‌های سنی، قابل فهم و تبیین بنظر می‌آید.

علاوه بر این، دو متغیر محل سکونت و سطح تحصیلات نیز نقش تعیین‌کننده‌ای بر روی تمایل به مهاجرت دارند، بدین معنا که نه تنها شهرنشینان بیش از روستائیان تمایل به مهاجرت دارند، بلکه همزمان با افزایش سطح تحصیلات، میزان تمایل به مهاجرت نیز روند صعودی طی می‌کند، بطوریکه تحصیلکردگان دانشگاهی دو برابر بیش از کم‌سوادان و بیسوادان متمایل به مهاجرت هستند. این الگو نیز بوضوح مؤید "گزینشی" بودن پدیده مهاجرت^۲ است بدین معنا که پدیده مهاجرت معمولاً نه هر کسی را بلکه افراد با ویژگی‌های معین را گزینش و

1- Social Solidarity Theory

2- Selectivity of Migration

انتخاب می‌کند که یکی از مهمترین این ویژگی‌ها نیز معمولاً بهره‌مندی از سطح بالنسبه بالای تحصیلات است.

دسته دوم عوامل نیز مربوط به مؤلفه‌های دینداری می‌باشد. زیرا مطابق یافته‌های این تحقیق، این متغیرها دارای نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای بر تمایل به مهاجرت هستند، بطوریکه کمترین و پایین‌ترین میزان تمایل به مهاجرت متعلق به کسانی است که از بالاترین سطوح دینداری برخوردارند و به پوشیده‌ترین نوع حجاب یعنی چادر معتقدند و با تصمیم‌گیری زنان درباره نوع حجاب خودشان کاملاً مخالف هستند. برعکس، هر چه صبغه نگرش دینی و دینداری ضعیف‌تر می‌شود و اعتقادات به سوی انواع ملایم‌تر حجاب مانند روسری سوق می‌یابد و نگرش مثبت نسبت به تصمیم‌گیری زنان درباره نوع حجاب خودشان ابراز می‌گردد، در آن صورت میزان تمایل به مهاجرت بطور چشمگیری رو به افزایش می‌گذارد. بعنوان مثال، میزان تمایل به مهاجرت در بین افراد با سطح دینداری در حد "خیلی کم" و "اصلاً" دو برابر بیشتر از میزان آن در بین افراد با سطح دینداری در حد "خیلی زیاد" می‌باشد. مثال دیگر اینکه، معتقدین به حجاب ملایم‌تر یعنی روسری، دو برابر بیشتر از معتقدین به پوشیده‌ترین نوع حجاب یعنی چادر، تمایل به مهاجرت دارند. نکته بمراتب مهم‌تر آنکه، بیشترین و بالاترین میزان تمایل به مهاجرت متعلق به کسانی است که اساساً دارای نگرش عدم موافقت نسبت به این انواع پوشش هستند بطوریکه ۸۰ درصد آنان تمایل به مهاجرت دارند که در واقع بیشترین و بالاترین سطح تمایل به مهاجرت در بین تمامی متغیرها و سرتاسر تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق محسوب می‌شود. دسته سوم عوامل نیز متغیرهای معطوف به نگرش جنسیتی است. در مجموع، برپایه یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان اینگونه استنباط کرد که هر چه صبغه نگرش سنتی و محافظه‌کارانه نسبت به نقش‌های جنسیتی برجسته‌تر و قوی‌تر باشد، در آن صورت تمایل کمتری برای مهاجرت وجود دارد. برعکس، آنگاه که غلبه نگرش غیرسنتی و مدرن نسبت به نقش‌های جنسیتی برجسته‌تر و قوی‌تر می‌گردد، بر شدت تمایل به مهاجرت نیز افزوده می‌شود. بعنوان نمونه، فقط حدود یک سوم کسانی که کاملاً مخالف با اشتغال زنان در کار خارج خانه هستند، تمایل به مهاجرت دارند. درحالی‌که، بیش از نیمی از کسانی که کاملاً موافق با اشتغال زنان در کار خارج خانه هستند، متمایل به مهاجرت می‌باشند.

بنابراین، مطابق الگوهای فوق‌الذکر درخصوص تعیین‌کننده‌های سه‌گانه تمایل به مهاجرت

می‌توان اینگونه استنباط کرد که وجه مشترک نتایج تحقیق حاضر را بطور خلاصه می‌توان در چارچوب پدیده نوگرایی و مدرنیسم (گود ۱۹۶۳، اینگلهارت ۱۹۷۷، رولاند ۲۰۱۲) و تقابل آن با سنت‌گرایی جمع‌بندی و تبیین کرد. بدین معناکه وقتی کفه "سنت‌گرایی" از قوت و سنگینی بیشتری برخوردار می‌گردد و نگرش سنتی و محافظه‌کارانه برجسته‌تر می‌شود، در نتیجه تمایل به مهاجرت فروکش می‌کند. برعکس، آنگاه که کفه "نوگرایی" از قوت و سنگینی بیشتری بهره‌مند می‌گردد و نگرش غیرسنتی و نوگرایانه جایگزین می‌شود، در آن صورت بر شدت و قوت تمایل به مهاجرت نیز افزوده می‌شود. نکته قابل‌تأمل این است که این جمع‌بندی نهایی را نه تنها می‌توان در متغیرهای مربوط به گروه دوم و گروه سوم فوق‌الذکر (یعنی متغیرهای نقش‌های جنسیتی و مؤلفه‌های دینداری) با وضوح بیشتری مشاهده کرد، بلکه در متغیرهای گروه اول یعنی متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز این الگوی نهایی کمابیش مشهود است: بدین معنا که متغیرهایی همچون سن، محل سکونت، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات نیز بدین شکل بعنوان عناصر تعیین‌کننده تمایل به مهاجرت محسوب می‌شوند که نگرشهای نوگرایانه و غیرسنتی معمولاً و نه همیشه در بین نوجوانان و جوانان بیش از بزرگسالان، در بین مجردین بیش از متاهلین، در بین شهرنشینان بیش از روستائیان، و در بین افراد دارای تحصیلات عالی بیش از بیسوادان یا کم‌سوادان برجسته و غالب است.

نکته بمراتب مهمتر اینکه، یافته‌های تحقیق حاضر نشان داده است که تمایل افراد به مهاجرت، بیش از هر عامل دیگری تحت تاثیر انگیزه‌های اقتصادی و شغلی است بدین معناکه مهاجرین بالقوه در جستجو و تکاپو برای دستیابی به فرصت‌های شغلی بهتر و مناسبتر هستند و مهاجرت را بعنوان یک محمل و استراتژی جهت نیل به آن در پیش گرفته‌اند. بدین ترتیب، یافته‌های تحقیق حاضر را می‌توان در چارچوب نظریه دافعه و جاذبه اورت لی (۱۹۶۶) و نظریه سرمایه انسانی (سجاس تاد ۱۹۶۲ و گری بکر ۱۹۶۴) اینگونه تبیین کرد که از یک طرف، تنگناهای اشتغال و محدودیتهای درآمد بعنوان دافعه‌های مبدا مهاجرت و از طرف دیگر، فرصت‌های مناسبتر شغلی و درآمد بعنوان جاذبه‌های مقصد مهاجرت، مهمترین نقش را در پیدایش مهاجرین بالقوه ایفا می‌کنند. بعلاوه، نتایج این تحقیق را می‌توان شواهد تجربی جدیدی در تایید یافته‌های تحقیق سازمان ملل متحد (۲۰۰۲) تلقی کرد که نشان داد نه تنها میزان تمایل به مهاجرت در کشورهای منطقه خاورمیانه بسیار زیاد است، بلکه این مهاجرین

بالقوه تمایل دارند تا عمدتاً برای دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب‌تر به خارج از کشور خودشان مهاجرت کنند (به نقل از گولدستون و همکاران ۲۰۱۲). ضمن آنکه، نتایج این تحقیق با نظریه‌های کلاسیک تبیین مهاجرت و جدیدترین گزارش بخش جمعیت سازمان ملل متحد نیز مطابقت و همخوانی دارد که بر اساس آن، اکثریت مهاجرین (۷۵ درصد) را کسانی تشکیل می‌دهند که در سنین کار و فعالیت اقتصادی می‌باشند (سازمان ملل متحد ۲۰۱۳) و این امر، منعکس کننده نقش حیاتی و تعیین کننده انگیزه‌های شغلی و زمینه‌های اقتصادی برای اقدام به مهاجرت می‌باشد.

نکته پایانی اینکه، از منظر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نیز می‌توان اهمیت و کاربرد یافته‌های این تحقیق درخصوص ویژگی‌های مهاجرین بالقوه و زمینه‌ها و انگیزه‌های اصلی آنها برای مهاجرت به خارج از کشور را مورد تاکید قرار داد. بدین معناکه یافته‌های تحقیق حاضر بر این نکته مهم و استراتژیک تاکید می‌کنند که ضرورت دارد تا سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزی‌های مناسب انجام گیرد تا نیازمندی‌ها و انتظارات این مهاجرین بالقوه (که عمدتاً شامل جوانان، تحصیلکردگان دانشگاهی، مجردین و شهرنشینان می‌شود) بویژه در زمینه فرصت‌های شغلی مناسب و احساس امنیت همه جانبه به نحو مطلوب تامین گردد. بدون تردید، توجه به نکته مهم و اساسی فوق‌الاشاره، در کشورهایی همچون کشور ما از ضرورت و اهمیت بمراتب بیشتری برخوردار است، بدان سبب که جامعه ما کماکان دارای ساختار سنی جوان (با میانه سنی نزدیک به ۳۰ سال) و روند فزاینده تحصیلات دانشگاهی و تجرد و شهرنشینی است، بنابراین می‌توان گفت که پتانسیل و زمینه‌های لازم برای گسترش هر چه بیشتر تأثیرات مدرنیسم و نوگرایی بر روی تمایل به مهاجرت و تشدید روند مهاجرت به خارج از کشور فراهم است. بعبارت دقیقتر، ضرورت و اهمیت مضاعف توجه به نکته مهم و اساسی فوق‌الاشاره و برنامه‌ریزیها و سیاست‌گذاری‌های مناسب برای مدیریت مطلوب آن در کشورهایی همچون کشور ما ریشه در این واقعیت دارد که شرایط جامعه ما نیز مصداق کاملاً روشن و آشکار نظریه کاستلس (۲۰۰۶) موسوم به نظریه جمعیت شناختی تبیین مهاجرت یا "گذار مهاجرتی" است: وی با مطالعه روندهای مهاجرتی در پنج کشور عمده مهاجرفرست جهان (هند، فیلیپین، مراکش، مکزیک، ترکیه) به این نتیجه رسید که یک ویژگی مشترک و برجسته این پنج کشور این است که بتازگی فرآیند گذار جمعیت شناختی را پشت سر نهاده‌اند

بطوریکه کاهش سریع مرگ و میر و افزایش طول عمر و نهایتاً رشد شتابان جمعیت سبب پیدایش حجم انبوه جوانان جویای کار شده است و چنانچه جامعه نتواند نیازمندی‌ها و انتظارات آنان را در زمینه فرصتهای شغلی لازم پاسخ دهد، درآنصورت سیل فزاینده مهاجرین به خارج از کشور به راه می‌افتد. در عین حال، باید این نکته مهم را نیز در نظر داشت که موضوع تمایل به مهاجرت نیز همانند سایر موضوعات جامعه، یک پدیده چندبعدی است و بقول ژورژ گوریچ (۱۳۵۸) باید از مثله و شرحه شرحه کردن موضوعات و مسائل اجتماعی پرهیز کرد و جنبه‌های گوناگون آنها را مدنظر قرار داد. بدین ترتیب، اگرچه نقش و تاثیرات جنبه‌های مادی مانند عوامل اقتصادی و شغلی بطور برجسته تر و سریعتری در تمایلات مهاجرتی نمایان و هویدا می‌گردند، اما برنامه‌ریزیها و سیاست‌گذاری‌های معطوف به مهاجرین بالقوه باید طیف بمراتب متنوع و گسترده‌تر عوامل تعیین‌کننده تمایل به مهاجرت مشتمل بر عوامل جمعیت‌شناختی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را کانون اصلی توجه قرار دهند.

منابع

- ابراهیمی، یزدان (۱۳۸۱)، بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر تمایل دانشجویان رشته های برق و کامپیوتر به مهاجرت، پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۳-۲۴: ۷۵-۹۶.
- ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰) «مبانی نظری فرار مغزها». نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۵: ۲۳-۳۶.
- پور قاضی، شیوا. (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی تمایل به برون کوچی نخبگان علمی» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علوم اجتماعی.
- جواهری، فاطمه. سراج زاده، سید حسین. (۱۳۸۴). «جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به خارج از کشور». مجله دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، ۵۰-۵۰: (۳) ۵۳-۸۸.
- ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۵). «جوانان، جهانی شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی: پژوهشی در میان نخبگان جوان». مجله جامعه‌شناسی ایران، ۷ (۲): ۴۱-۷۵.
- شیری، طهمورث و شاهمرادی، منصوره. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه‌ی میان ویژگی‌های جمعیت شناختی و گرایش به مهاجرت خارج از کشور». جغرافیا. ص ۱۴۹-۱۷۲.
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۱). "بررسی اجتماعی و جمعیت شناختی مناسبات هویت و مهاجرت"، *مطالعات ملی*، شماره ۵۰ (۲): ۷۳-۹۶.
- فروتن، یعقوب و شیخ، مرتضی (۱۳۹۶)، بررسی گرایش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهاجرت بین‌المللی، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱۰: ۶۱-۷۹.
- گوروپچ، ژرژ (۱۳۵۸)، دیالکتیک یا سیر جدالی و جامعه‌شناسی، ترجمه حسن حبیبی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گولدستون، ج. و همکاران (۱۳۹۵). جمعیت‌شناسی سیاسی: نقش جمعیت در نقش تغییرات

جمعیتی در سیاست ملی و امنیت بین المللی

ترجمه: فروتن، یعقوب، تهران: موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
مای، جان اف. (۱۳۹۷)، سیاست های جمعیتی جهان، ترجمه فروتن، یعقوب، تهران: موسسه
مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی

جمعیت کشور.

محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۳) «جهانی شدن و مهاجرت نخبگان: بررسی تجربه‌ی ایران».
رفاه اجتماعی، ۱۵ (۴)، ۲۰۹-۲۳۲

مقدس، علی اصغر و شرفی، زکیه (۱۳۸۸)، بررسی عوامل برانگیزنده گرایش به مهاجرت های
بین المللی جوانان ۱۸-۳۰ ساله

شهرهای شیراز و ارسنجان، مجله جامعه شناسی ایران، ۱۰ (۱): ۱۶۲-۱۹۰.

Adsera, A. & Pylikova, M. (2012). " *The Role of Language in Shaping International Migration*" North Ace Migration, Discussion Paper NO 2012-14

Baruch, y. Pawan & Budhwar, S. khatri, N. (2007), "Brain Drain: Inclination to Stay abroad after studies", *Journal of World Business*, 99-112

Baunach D M and S L Barnes 2003, 'Competition, Race, and the Measurement of Female Labor Activity', *Sociological Inquiry*, 73 (3): 413-439.

Becker G S 1964, *Human Capital, A Theoretical and Empirical Analysis with Special Reference to Education*, New York, Colombia University Press.

Becker G S 1985, 'Human Capital, Effort, and the Sexual Division of Labor', *Journal of Labor Economics*, 3 (1): 33-58.

Castles, S. (2006). *Comparing the experience of fi ve major emigration countries*, International Migration Institute Working Paper 7, Oxford: University of Oxford.

Foroutan, Y. (2017), Muslim Minority of New Zealand in Global Context: Demographic Perspective, *Journal of Muslim Minority Affairs*, 37 (4): 511-519.

Foroutan, Y. (2015), Misunderstood Population?: Methodological Debate on Demography of

Muslims in the West, IN: *Yearbook of International Religious Demography*, Leiden: Brill Press.

- Good, W. J. (1963). *World revolution and family patterns*, New York: Free Press.
- Inglehart, R. (1977). *The Silent Revolution: Changing values and political styles among Western publics*, Princeton: Princeton University Press.
- Lee, E. S. (1966), "A Theory of Migration", *Demography*, 3 (1): 47-57.
- Lee, E. & Moon, M. (2013) "Korean nursing students' intention to migrate abroad", *Nurse Education Today*, 33 (12): 1517-1522.
- Rowland, D. T. (2012). *Population Aging: The Transformation of Societies*, Springer, the Netherland.
- Sjaastad L A 1962, 'The Costs and Returns of Human Migration', *Journal of Political Economy*, 70 (5): 80-93.
- United Nations (2013). " *International Migration Report*", Department of Economic and Social Affairs. Population Division. New York: UN.
- United Nations Department of Economic and Social Affairs (2011), *The World Youth Report 2011 – Youth Employment: Youth Perspective on the Pursuit of Decent Work in Changing Times*, United Nations Publication, ST/ESA/338.